



یمن همه را مات کرد!؟

زوال هژمونی غرب؛ طلوع نظم نوین مقاومت

چگونه یمن و محور مقاومت، معادلات ژئوپلیتیک و اقتصاد جهانی را در گلوگاه‌های هرمز و باب‌المندب دگرگون کردند؟

ناصر کاوه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (١) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (٢) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (٣)





یمن همه را مات کرد _ ناصرکاوه

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) امامین انقلاب، امام خمینی (ره) و شهید سید علی خامنه ای، شهدا از صدر اسلام تا شهدای رمضان و هرمز

...تاریخ، چرخش‌های ناگهانی خود را در **گلوگاه‌های استراتژیک** جهان رقم می‌زند. برای دویست سال، **هژمونی انگلوساکسون** بر اساس کنترل خطوط مواصلاتی جهان و جریان‌های انرژی بنا شده بود. اما امروز، در نقطه‌ای که کمترین انتظار می‌رفت، یک **«مات راهبردی»** رخ داده است. **یمن**، نه فقط یک جغرافیا، که یک **«الماس ژئوپلیتیک»** است که در دستان جریان مقاومت، موازنه قدرت را در عمق راهبردی دشمن تغییر داده است. دشمنی که می‌پنداشت با اتکا به رادارهای «تاد» و «پاتریوت»، خلیج عدن و دریای سرخ را امن نگاه می‌دارد، امروز با **«شگفتی‌های ناشناخته»** روبروست. این کتاب، روایتی است از تلاقی تکنولوژی پیشرفته (های‌تک) با اراده‌ای لشگرپا برهنه‌هایی که ریشه در «ایمان» دارد...

« یمن همه را مات کرد!؟ »

نویسنده : ناصرکاوه

هوش مصنوعی ، گرافیک و طراح : علی کربلانی

مشاور طرح ، رسانه و فضای مجازی : مهدی کاوه

ویراستار ، تایپ و حروف نگار : نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: **صلوات بر محمد و آل محمد(ص)**

N 29° 33' 12.5"
E 51° 18' 45.9°

N 29° 33' 12.5"
E 51° 18' 45.9°

شکست مهندسی استکبار؛ طلوع هژمونی نوین مقاومت

دگرگونی موازنه راهبردی از تنگه هرمز تا باب‌المندب

تحلیل راهبردی مبتنی بر گزارش‌های ناصر کاوه | طبقه‌بندی: تحلیل ژئوپلیتیک کلان

W 45° 01' 22.3"
S 05° 24' 37.6°

یمن همه را مات کرد _ ناصرکاوه

فهرست مطالب

- مقدمه: هندسه جدید جهان؛ چرا یمن «شاه» شطرنج استکبار را مات کرد؟/7
- فصل اول: الماس ژئوپلیتیک؛ شکست دکترین «بزن و درو»/10
- فصل دوم: هوش نامتقارن؛ پیوند ایمان، موشک و تکنولوژی «های‌تک»/16
- فصل سوم: قیچی راهبردی؛ چگونه دو تنگه، اقتصاد سرمایه‌داری را زمین‌گیر کرد؟/22
- فصل چهارم: یمن در آینه‌ی روایات؛ از فتنه‌های آخرالزمانی تا ظهور حق/29
- فصل پنجم: فروپاشی «نظم انگلوساکسون»؛ مرگ تدریجی پترودلار/36
- فصل ششم: طلوع پیمان مکه؛ پایان «ناتوی عربی-اسرائیلی» و آغاز تمدن نوین/42
- موخره: عصر ظهور؛ وقتی زمین به دست صالحان می‌رسد/48

کتاب تصویری/54



JUSTICE
TRUTH
PEACE
COOPERATION
COMMON FUTURE



DIPLOMACY
ECONOMY
SECURITY
TECHNOLOGY
ENVIRONMENT
HUMANITY



STABILITY
PROSPERITY
SUSTAINABILITY
INCLUSIVITY
SHARED PROSPERITY



مقدمه: هندسه جدید جهان

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص، آیه ۵). تاریخ، چرخش‌های ناگهانی خود را در گلوگاه‌های استراتژیک جهان رقم می‌زند. برای دویست سال، هژمونی انگلوساکسون بر اساس کنترل خطوط مواصلاتی جهان و جریان‌های انرژی بنا شده بود. اما امروز، در نقطه‌ای که کمترین انتظار می‌رفت، یک «مات راهبردی» رخ داده است. یمن، نه فقط یک جغرافیا، که یک «الماس ژئوپلیتیک» است که در دستان جریان مقاومت، موازنه قدرت را در عمق راهبردی دشمن تغییر داده است. دشمنی که می‌پنداشت با اتکا به رادارهای «تاد» و «پاتریوت»، خلیج عدن و دریای سرخ را امن نگاه می‌دارد، امروز با «شگفتی‌های ناشناخته» روبروست. این کتاب، روایتی است از تلاقی تکنولوژی پیشرفته (های‌تک) با اراده‌ای لشگرپا برهنه‌هایی که ریشه در «ایمان» دارد. همان ایمانی که حافظ می‌گوید: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کند خار مخیلان غم مخور».

یمن، آن خار مگیلان نیست؛ بلکه خودِ کعبه‌ی مقاومت در برابر استکبار است. ما در این نوشتار نشان خواهیم داد که چگونه انصارالله، نه با تکیه بر زرادخانه‌های کلاسیک، بلکه با «هوش یمنی» و «تکنولوژی نامتقارن»، توانست پیچیده‌ترین ارتش‌های جهان را به «اهداف متحرکِ آسیب‌پذیر» تبدیل کند. این «مات»، تنها یک پیروزی نظامی نیست؛ بلکه یک «تغییر هندسه جهانی» است. چنان‌که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «دوران بزن و دررو تمام شده است».

در فصول پیش رو، از نگاهی که اسناد این کتاب به ما می‌دهد، پرده از حقیقتی برخوایم داشت که غرب از پذیرش آن هراس دارد: فروپاشی نظم تک‌قطبی. این کتاب دعوتی است به اندیشیدن درباره پایان عصر «استیلای انرژی»، و آغاز عصری که در آن، پابرهنگان غیور یمن، نه تنها یک کشور، که نظم جهانی را بازتعریف می‌کنند. یمن ثابت کرد که برتری تسلیحاتی، هرگز نمی‌تواند خلأ هویت و انگیزه عقیدتی را جبران کند. و این، آغاز راهی است که به وعده‌ی بزرگِ موعود منتهی می‌شود.

THE GEOPOLITICAL DIAMOND

— YEMEN • THE RED SEA • BAB AL-MANDAB —

A SMALL NATION • A GLOBAL STRATEGIC NODE



EGYPT

RED SEA

SUDAN

ERITREA

ETHIOPIA

SAUDI ARABIA

YEMEN

BAB AL-MANDAB
STRAITS

DJIBOUTI

SAUDI ARABIA

OMAN

ARABIAN SEA

SOMALIA

فصل اول: الماس ژئوپلیتیک؛ شکست دکترین «بزن و دررو»

آغاز با کلام وحی و حکمت:

«كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (سوره بقره، آیه ۲۴۹)

چه بسیار گروه کوچکی که به فرمان خدا، بر گروههای عظیمی پیروز شدند، و خدا با صبرکنندگان است.

چو شیران به دریا درافکنده‌اند / پی دشمن از خاک برکنده‌اند

چو ایمان بود جوشن و تیغ تیز / نیارد جهان پیش ایشان ستیز

(برگرفته از مفاهیم شاهنامه و ادب پارسی)

۱. تسلط بر قلب شطرنج دریایی؛ فتح «الماس ژئوپلیتیک»

برای بیش از دو سده، اتاق‌های فکر انگلوساکسون و استراتژیست‌های مک‌کیندر و ماهان، موازنه قدرت بین‌المللی را بر مبنای تسلط بلامنازع بر آبراه‌ها و تنگه‌های حیاتی جهان تعریف کرده بودند. در این دکترین، «دریای سرخ»، «خلیج عدن» و به‌ویژه تنگه استراتژیک «باب‌المندب»، شاه‌کلید انتقال روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و شریان اصلی تجارت میان شرق آسیا و قلب اروپای غربی تلقی می‌شد.

دلاورمردان انصارالله با آزادسازی و استقرار آتش در نقاط کلیدی و جزایر استراتژیک (از جمله جزایر «زقر»، «حنیش کبیر و صغیر»، و بنادر و مناطق «المخا»، «ذوباب» و پایگاه‌های مرتفع ساحلی)، موازنه‌ای بنیادین در عمق راهبردی دشمن گشودند.

این تسلط ژئوپلیتیکی، صرفاً یک دستاورد نظامی محدود نبود، بلکه تصاحب «الماس ژئوپلیتیک جهان» بود؛ نقطه‌ای که اگر نبض آن در اختیار اراده‌ای الهی و بومی قرار گیرد، تمام شریان‌های امپریالیسم جهانی را دچار انسداد و اختلال عملکردی می‌کند.

۲. پایان دکترین «بزن و دررو» و تولد بازدارندگی متقارن-نامتقارن

سال‌ها ائتلاف‌های متجاوز غربی-عربی بر اساس این پندار باطل عمل می‌کردند که با اتکا به پدافندهای گران‌قیمت چند لایه مانند سامانه‌های «پاتریوت» (Patriot) و «تاد» (THAAD)، بمباران‌های هوایی سنگین و محاصره ظالمانه اقتصادی، می‌توانند اراده ملت یمن را درهم بشکنند، بی‌آنکه هزینه‌ای در عمق راهبردی خود بپردازند. اما تحقق این کلام نورانی و بنیادین رهبر معظم انقلاب اسلامی که فرمودند:

«دوران بزن و دررو تمام شده است و هندسه جهان در حال تغییر است»،

در جغرافیای یمن به زیباترین و ملموس‌ترین شکل عینی تجلی یافت.

یمن نشان داد که هر تجاوزی، با پاسخی در عمق خاک دشمن، در تأسیسات نفتی، در بنادر، و در خطوط کشتیرانی امنیتی وابسته به صهیونیسم پاسخ داده خواهد شد. دشمن در یک جبهه تاکتیکی زمین‌گیر شد، در حالی که مقاومت یمن با گشایش موازنه‌ای نو، تهدیدات را از سواحل خود به صدها و هزاران مایل آن‌سوتر، یعنی تا بندر ایلات (ام‌الرشراش) و دریای مدیترانه، تسری داد.

۳. فلج شدن سیستم‌های راداری و انسداد بندر ایلات

محاصره تمام عیار دریایی رژیم غاصب صهیونیستی در دریای سرخ، ضربه‌ای مرگبار بر نظریه «امنیت دریانوردی غربی» وارد کرد. اتاق‌های فرماندهی ائتلاف غربی با پیشرفته‌ترین ناوشکن‌های کلاس «آرلی برک» و رادارهای فوق‌پیشرفته ایجیس (Aegis)، ناگهان خود را در برابر تسلیحاتی دیدند که سامانه‌های کشف و ردگیری الکترونیک را فریب داده و یا با سرعت‌های غیرقابل رهگیری از دیواره‌های آتش عبور می‌کردند.

بندر ایلات عملاً به تعطیلی کشانده شد؛ شریان‌های لجستیک اقتصادی دشمن صهیونیستی قطع گردید و هزینه‌های بیمه دریایی برای کشتی‌های مرتبط با این رژیم سر به فلک کشید. این نخستین بار در تاریخ معاصر پس از جنگ‌های جهانی بود که یک نیروی نوظهور، بدون داشتن ناوگان‌های میلیارد دلاری، توانست خطوط کشتیرانی نظامی و تجاری یک ائتلاف جهانی را مدیریت، تفکیک و در صورت لزوم کاملاً مسدود کند.

۴. شکست منطق مادی در برابر نیروی ایمان

چرا تحلیل‌گران غربی مات شدند؟ زیرا محاسبات آنان صرفاً بر مبنای جدول مقایسه تسلیحات و برتری دلارهای نفتی استوار بود. اسناد جنگ یمن اثبات کرد که: «برتری تسلیحاتی هرگز نمی‌تواند خلأ هویت، انگیزه و عمق عقیدتی را جبران کند». ارتش‌های اجاره‌ای و ائتلاف‌های پوشالی، در مواجهه با نیرویی که شهادت را کرامت و ایستادگی در برابر طاغوت را فرض قطعی قرآن می‌داند، مانند مهره‌های سست بر صفحه شطرنج فرو ریختند.

یمن در گام نخست، توهم شکست‌ناپذیری ناوگان‌های آنگلو ساکسون را شکست؛ الماس ژئوپلیتیک را به دست گرفت و به جهان اثبات کرد که حاکم واقعی گذرگاه‌های سرنوشت‌ساز، نه کاخ سفید و ناوهای هواپیمابر، بلکه بندگان مخلص و مؤمنی هستند که تاریخ را به سمت عدالت و نصرت الهی به پیش می‌رانند.



فصل دوم: هوشِ نامتقارن؛ پیوندِ ایمان، موشک و تکنولوژی «های تک»

آغاز با کلام وحی و حکمت: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (سوره انبیاء، آیه ۸۰)

(و به او [داوود] ساختن زره را آموختیم تا شما را از آسیب [جنگ] حفظ کند؛ پس آیا سپاسگزارید؟)

هنر نزد ایرانیان است و بس / ... / که فرهنگ و هوش است بهر قفس

چو بینش نباشد ز دانش جدا / زره می‌گریزد ز تیغ خدا

۱. گذارِ استراتژیک؛ از جنگِ چریکی به «جنگِ فن‌آورانه»

تحلیل‌گران غربی، حتی پس از سال‌ها تجاوزِ ائتلاف سعودی، همچنان گرفتار نوعی «خطای شناختی» بودند.

آنان یمن را در قابِ «قبایلِ بدوی» می‌دیدند که نهایتاً به جنگ چریکی در کوهستان‌ها توانمندند. اما همان‌طور که در سند «هوش یمن» به‌صراحت تحلیل شده است، یمن دست به یک جهش تمدنی و تکنولوژیک زد. این جهش، نه محصولِ وارداتِ تسلیحات، بلکه حاصلِ «ابتکار بومی» و «مهندسی معکوسِ هوشمندانه» بود. دکترینِ «بازدارندگی پویا» که سید عبدالملک الحوثی بر آن تأکید داشت، یمن را از حالت «دفاعی صرف» به «تهاجم بازدارنده» سوق داد. آنان متوجه شدند که برای زمین‌گیر کردن امپراتوری‌های دریایی، نیازی به ناوگان‌سازی نیست؛ نیاز به هوشی است که بتواند «چشمِ رادار» را کور و «گوشِ سونار» را کر کند.

۲. شکستِ پدافندهای چندلایه؛ موشک‌های هایپرسونیک و بالستیک ضدکشتی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اسناد «یمن.docx» و «هوش یمن»، به موضوع شکست سامانه‌های «تاد» (THAAD) و «پاتریوت» اختصاص دارد. در دکترین نظامی غرب، این سامانه‌ها به عنوان «سدِ آهنین» شناخته می‌شدند. اما یمن با طراحی موشک‌های بالستیک ضدکشتی (ASBM) و بومی‌سازی فناوری‌های هایپرسونیک، این افسانه را به چالش کشید.

این موشک‌ها، نه تنها به دلیل سرعتِ غیرقابل‌رهگیری‌شان، بلکه به دلیل «هوش عملیاتی»‌شان در لحظه برخورد، توانستند سامانه‌های مدیریتِ نبردِ ناوشکن‌های کلاس «آرلی برک» و ناوهای هواپیمابر را «قفل» کنند. دشمن در برابر موشکی که مسیرش را در لایه‌های جو تغییر می‌دهد، به مثابه یک «هدف متحرک و آسیب‌پذیر» درآمد. اینجاست که عبارت «مات راهبردی» معنا پیدا می‌کند؛ چرا که وقتی گران‌قیمت‌ترین سیستم‌های پدافندی جهان در برابر موشک‌های بومی یمن ناکارآمد می‌شوند، تمام ساختارِ بازدارندگیِ نظامیِ غرب در منطقه فرو می‌پاشد.

۳. دریا؛ قلمرو شبح‌گونِ شهپادهای انتحاری

بر اساس مستندات موجود در «یمن کتاب»، یکی از بزرگترین وحشت‌های نیروی دریایی آمریکا، نه موشک‌های بالستیک، بلکه «شهپادهای انتحاری» (USV - Unmanned Surface Vessels) بودند. این شناورهای تهاجمی، با طراحیِ کم‌ارتفاع و رادارگریز، به معنای واقعی کلمه «شبح‌گون» عمل می‌کنند.

واقعۀ تاریخی شکار زیردریایی بدون سرنشین آمریکا موسوم به «شاهمروارید» (موجود در تحلیل‌های «هوش یمن»)، نقطه‌ی عطفی در این جنگ بود. با تصرف این تکنولوژی، یمنی‌ها به لایه‌های پنهان «آکوستیک» و «سیگنال‌های» نیروی دریایی آمریکا دست یافتند. این یعنی ورود به «جعبه سیاه» دشمن؛ یعنی شناسایی فرکانس‌هایی که ناوهای هواپیمابر برای مخفی‌کاری از آن استفاده می‌کردند. این اقدام، امنیت ناوهای غول‌پیکر Eisenhower را به «عدم امنیت مطلق» تبدیل کرد. یمن صبور، دریا را به آزمایشگاهی برای شکست «هژمونی تکنولوژیک» تبدیل کرد.

۴. سنتز ایمان و تکنولوژی؛ عامل انسانی متفاوت

نکته‌ی کلیدی که در تمامی متون ارسالی شما موج می‌زند، این است:

«تکنولوژی در دست کسی که به دنبال لذت و ثروت است، تنها یک ابزار است؛ اما در دست کسی که با اعتقاد به وعده‌ی الهی می‌جنگد، به سلاح تمدن‌ساز تبدیل می‌شود».

یمنی‌ها «مهندسانِ مکتبی» هستند. آنان سلاح را به عنوان «امتدادِ اراده‌ی الهی» می‌بینند. در ادبیات فارسی داریم که «دانش بدون بینش، به چاه انداختنِ خویش است».

یمن، دانشِ نظامیِ مدرن را با بینشِ قرآنی «نصرتِ مستضعفین» ترکیب کرد. همین «عاملِ انسانی» باعث شد که وقتی تحلیل‌گرانِ پنتاگون در حال محاسبه‌ی احتمالِ برخوردِ موشک با ناو بودند، رزمنده‌ی یمنی با اتکا به «غیب» و با استعانت از پروردگار، ضریبِ خطایِ هوشِ مصنوعیِ موشک را به صفر برساند.

دشمن از این «پیوندِ ایمان و های‌تک» مات شد؛ زیرا در تمدنِ مادیِ غرب، «سلاحِ پیشرفته» از «انسانِ باایمان» جداست. آنان هرگز نخواهند فهمید که چگونه قومی با کمترین امکانات مادی، دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین ماشین‌های جنگیِ عصرِ حاضر را به عقب‌نشینی وادار کرده است. یمن ثابت کرد که «هوش»، برتر از «فولاد» است و «ایمان»، بزرگترین «سیگنالِ مخابراتی» برای هدایتِ دقیقِ تیرهاست.



فصل سوم: قیچی راهبردی؛ چگونه دو تنگه، اقتصاد سرمایه‌داری را زمین‌گیر کرد؟

آغاز با کلام وحی و حکمت:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (سوره نحل، آیه ۱۱۲)

(و خدا مثلی زده است: شهری که امن و آسوده بود و روزی‌اش از هر سو به فراوانی می‌رسید، پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشاند.)

چو رگ‌های گیتی به چنگ تو شد / ز تدبیر باطل چه جنگ تو شد؟

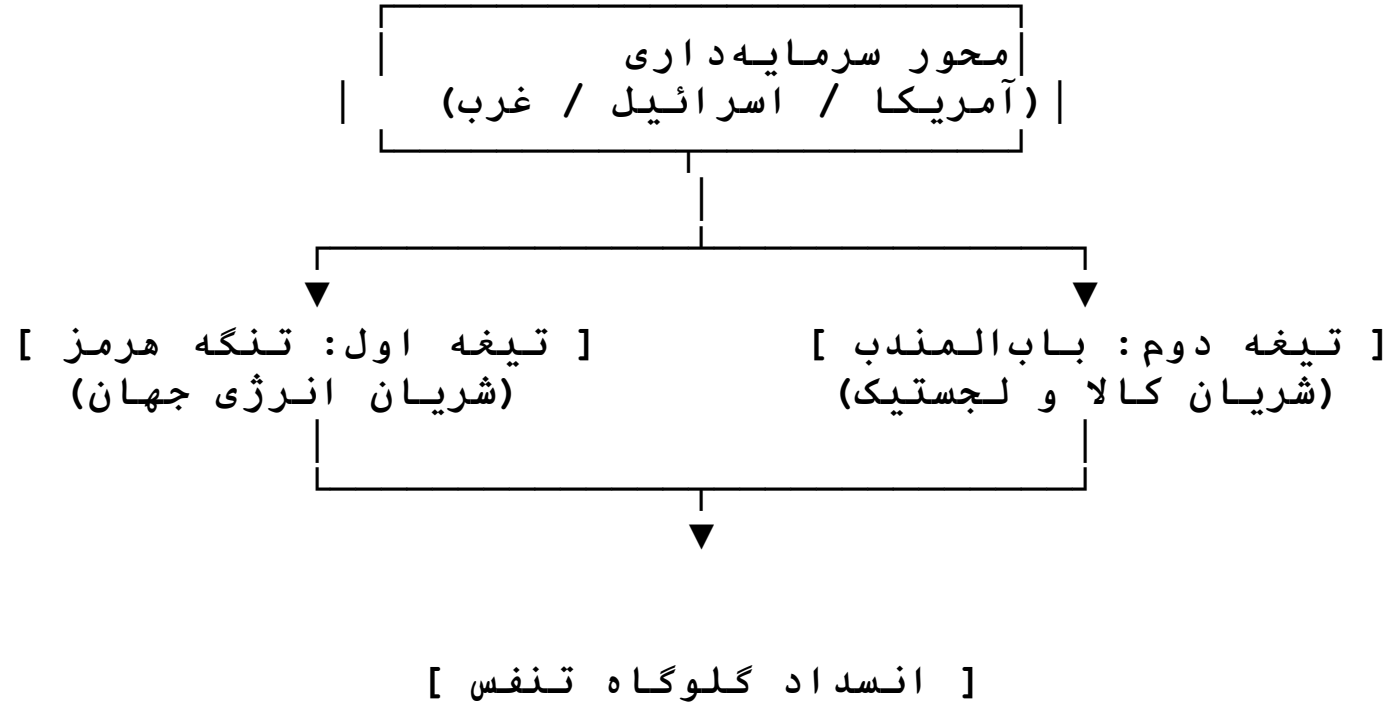
دو تیغه چو بر هم نهی در مصاف / بیفتد ز سر پنجه‌ها تیغ لاف

۱. معماری «قیچی راهبردی»؛ همگرایی هرمز و باب‌المندب

در جغرافیای سیاسی و اقتصاد انرژی جهان، دو گذرگاه آبی به عنوان گلوگاه‌های حیات مدرن تلقی می‌شوند: **تنگه هرمز** (شاهرگ نفت و گاز جهان در خلیج فارس) و **تنگه باب‌المندب** (گذرگاه حیاتی دریای سرخ و اتصال شرق آسیا به کانال سوئز و اروپا).

برای دهه‌ها، استراتژیست‌های کاخ سفید و لندن بر این فرض آسوده تکیه زده بودند که می‌توانند با پایگاه‌های متعدد در منطقه، خلیج عدن و بحرین، این دو شاهرگ را به صورت جزیره‌ای و جدا از هم مدیریت و تحت کنترل ناوگان‌های نظامی حفظ کنند. اما همان‌گونه که در متون راهبردی به زیبایی تبیین شده، شکل‌گیری اراده‌ای الهی و هماهنگ در محور مقاومت، این دو گذرگاه را به دو تیغه‌ی یک «قیچی ژئواستراتژیک» بدل ساخت.

«قیچی راهبردی» یعنی هرگاه اراده مستکبران به محاصره یا تعرض علیه یکی از اضلاع مقاومت تعلق گیرد، دو تیغه از شمال (هرمز) و جنوب (باب‌المندب) به هم نزدیک شده و جریان گردش کالا، انرژی و جریان پولی غرب را دچار ایست قلبی و خفگی ساختاری می‌کند.



(فلج شدن پترودلار)

۲. فروپاشی فرمول‌های تجارت آزاد در دریای سرخ

نظم نئولیبرال جهانی بر پایه فرضیه «امنیت تضمین‌شده دریانوردی توسط نیروی دریایی آمریکا» بنا شده بود. شرکت‌های کشتیرانی غول‌پیکر (نظیر مرسک، هاپاگ-لوید و ام‌اس‌سی) خطوط کشتیرانی خود را با تکیه بر ناوهای محافظ غربی تنظیم می‌کردند. اما دلاوران یمنی این محاسبه را درهم شکستند:

- **تحمیل دوربرگردان دماغه امیدنیک:** با هدف قرار دادن دقیق و نقطه‌زن کشتی‌های عازم بنادر رژیم صهیونیستی، کشتی‌ها ناچار شدند مسیر میان‌بر دریای سرخ را رها کرده و قاره آفریقا را دور بزنند؛ مسیری که بیش از ۱۰ تا ۱۴ روز به زمان دریانوردی و هزاران مایل به مسافت اضافه کرد.
- **انفجار هزینه‌های سوخت و بیمه:** جهش ناگهانی هزینه‌های حمل‌ونقل (Freight Rates) و چندبرابر شدن حق بیمه ریسک جنگی (War Risk Insurance)، قیمت تمام‌شده کالاهای مصرفی را در بنادر اروپایی و اراضی اشغالی به اوج رساند.
- **تعطیلی دالان‌های ترانزیتی دشمن:** بندر راهبردی «ایلات» (ام‌الرشراش) عملاً به گورستان جرثقیل‌ها و حوضچه‌های خالی بدل شد؛ امری که نه تنها صهیونیست‌ها را از حیث لجستیکی فلج کرد، بلکه پوچ بودن ائتلاف‌های ساختگی نظیر «نگهبان رفاه» (Operation Prosperity Guardian) به سرکردگی واشنگتن را برملا نمود.

۳. پترودلار در بن‌بستِ انصارالله

اساس هژمونی آمریکا پس از توافق ۱۹۴۴ برتون‌وودز و شوک نفتی ۱۹۷۳، بر سلطه «پترودلار» متکی بود؛ یعنی کالاهای اساسی و انرژی جهان باید با دلار معامله و در امن‌ترین آبراه‌های تحت تسلط دلار جابه‌جا شوند.

وقتی کشوری مانند یمن با کمترین هزینه مالی و تنها با بهره‌گیری از هوش نامتقارن، پهپادهای ارزان‌قیمت اما نقطه زن و موشک‌های بالستیک، آبراه تحت ضمانت پترودلار را مدیریت و سهمیه‌بندی می‌کند، در واقع پایه‌های سلطه دلار را به لرزه درمی‌آورد.

دیگر هیچ تاجری در وال‌استریت یا لندن نمی‌تواند روی «ضمانت امنیتی پنتاگون» شرط بندی اقتصادی کند.

هزینه رهگیری یک پهپاد چند هزار دلاری یمنی با موشک‌های چند میلیون دلاری (نظیر SM-2 و SM-6) به یک «سیاه‌چاله فرسایشی» برای اقتصاد نظامی غرب تبدیل شد.

۴. شکست نظریه‌های ژئوپلیتیک ماهان و مک‌کیندر

«آلفرد ماهان» در نظریه کلاسیک «قدرت دریایی» معتقد بود که تسلط بر اقیانوس‌ها و گلوگاه‌ها، منحصرراً در انحصار ناوگان‌های عظیم زرهی و خطوط آتش سنگین دریایی است.

اما شگفتی قرن بیست‌ویکم این بود که چگونه مجاهدان پابره‌نه اما مؤمن یمن، با اتکا به «سواحل فعال»، «پایگاه‌های پنهان کوهستانی» و «شناورهای هوشمند انتحاری»، تمام نظریات کلاسیک ماهان را منسوخ کردند.

یمن اثبات کرد که برای مسدود کردن شریان یک ابرقدرت، نیازی به ناو هواپیمابر نیست؛ کافی است اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر و نقطه‌زنی بی‌خطا در ساحل مستقر باشد.

قیچی راهبردی بسته شد و نشان داد که دستِ برتر در هندسه جدید جهان، متعلق به کسانی است که بر مبنای توکل به رب‌العالمین، گلوگاه‌های ظلم و کفر را می‌فشارند.



فصل چهارم: سقوط نمادها؛ از ناو آیزنهاور تا بندر ایلات

آغاز با کلام وحی و حکمت:

«فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا^ط وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ ۚ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»

(سوره حشر، آیه ۲)

(پس خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند به سراغ شان آمد و در دل‌های شان ترس افکند؛ به گونه‌ای که خانه‌های خود را به دست خویش و به دست مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس ای صاحبان بینش، عبرت بگیرید!)

چو دیو ز راندود آید به جنگ / ز ایمان مؤمن در آید به تنگ

نه پولادِ ناو و نه فرّ و سپاه / نیارد نگه‌داشت کاخ تباه

۱. ناو آیزنهاور؛ اسطوره شکسته «نیروی ضربت جهانی»

بیش از هشت دهه، «ناو هواپیمابر» در دکترین نظامی ایالات متحده آمریکا، صرفاً یک سازه دریایی ۱۰۰ هزار تُنی نبود؛ بلکه تجلی عینی «قدرت شکست‌ناپذیر»، نماد صدور اراده و اشنگتن و کابوس رژیم‌های متخاصم به شمار می‌رفت.

اعزام ناوگروه هواپیمابر «یواس اس دوایت دی. آیزنهاور» (USS Dwight D. Eisenhower - CVN-69) به همراه ناوشکن‌های اسکورت به دریای سرخ، با هدفی واضح صورت گرفت:

اعمال وحشت و بازگرداندن معادله بازدارندگی به سود رژیم صهیونیستی.

اما همان‌طور که در تحلیل‌های تخصصی اسناد این کتاب ثبت شده، این غول آهنین به جای ایجاد رعب، خود به «بزرگ‌ترین هدف متحرک» موشک‌ها و شهپادهای مقاومت بدل گشت.

هدف قرار گرفتن مکرر حریم امنیتی این ناو، موشک‌باران زنجیره‌ای و تحمیل عقب‌نشینی گام‌به‌گام آن به سمت شمال دریای سرخ و در نهایت فرار خفت‌بار از منطقه و بازگشت به پایگاه خانگی، نقطه‌ی عطف تاریخ معاصر نظامی جهان بود.

[دوران طلایی ناوهای هواپیمابر]

(نماد حاکمیت مطلق اقیانوسها : ۲۰۲۳ - ۱۹۴۵)



[برخورد با پدیده مقاومت یمن]

(موشکهای بالستیک نقطه زن + شهپادهای انتحاری)



[تحقیر راهبردی و فرار ناو آیزنهاور]

(پایان دوران دکترین امنیت استعماری بر پایه ناوگان غولپیکر)

فرار آیزنهاور تنها شکست یک مأموریت دریایی نبود؛ بلکه شکست دکترین حضور دریایی پنتاگون بود که نشان داد در عصر پرتابه‌های بالستیک ضدکشتی، غولهای ۱۰۰ هزار تنی میلیارد دلاری، جز تابوت‌های شناور پرهزینه نخواهند بود.

۲. سقوط اقتصادی بندر ایلات (ام‌الرشراش)؛ خفگی بدون شلیک به ساحل

بندر ایلات در انتهای خلیج عقبه، دروازه تنفس اقتصادی، شریان تبادل کالا با آسیا، مخازن ذخیره نفت و نماد اتصال صهیونیسم به تجارت شرق بود. یمن با اجرای یک «محاصره هوشمند دریایی» و اعمال ممنوعیت عبور صرفاً بر کشتی‌های متعلق به رژیم صهیونیستی و عازم بنادر این رژیم:

- اعلام ورشکستگی رسمی بندر: حجم تخلیه و بارگیری کالا در ایلات بیش از ۸۵ تا ۹۰ درصد کاهش یافت و مدیران بندر رسماً وضعیت بحران اقتصادی و تعدیل گسترده نیروها را اعلام کردند.
- انتقال فشار لجستیک به بنادر مدیترانه: با بسته‌شدن گلوگاه جنوبی، کل بار ترانزیتی به بنادر حیفای و اشدود منتقل شد؛ امری که هزینه سرسام‌آور حمل زمینی، تورم شدید کالاهای وارداتی در تل‌آویو و بحران عرضه را رقم زد.
- شکست پدافند پاتریوت و پیکان (Arrow): پرتابه‌های یمنی نه تنها در دریا، بلکه با پرواز بیش از ۲۰۰۰ کیلومتری و اصابت به اهداف حساس در ایلات و مرکز فلسطین اشغالی (تل‌آویو/یافا)، سامانه‌های گران‌قیمت چندلایه دشمن را به مضحکه‌ای در برابر دیدگان ناظران بین‌المللی تبدیل نمودند.

۳. انحلال ائتلاف‌های پوشالی و فرار متحدان

هنگامی که واشنگتن ائتلاف «نگهبان رفاه» (Prosperity Guardian) را برای مقابله با یمن اعلام کرد، گمان می‌کرد با تجمیع نام‌های ناتو و چند دولت منطقه‌ای می‌تواند جبهه‌ای هماهنگ بسازد. اما پاسخ قاطع، شجاعانه و تهاجمی ارتش یمن سبب شد:

- قدرت‌های اروپایی (مانند فرانسه، ایتالیا و اسپانیا) از قرار گرفتن تحت فرماندهی مستقیم سنتکام سر باز زنند و مأموریت‌های نمادین و جداگانه‌ای (مانند مأموریت اسپیدس) تعریف کنند.
-
- کشورهای حاشیه خلیج فارس از بیم قرار گرفتن در تیررس موشک‌های نقطه زن یمنی، رسماً از دادن پایگاه و پیوستن علنی به این ائتلاف خودداری کنند.
-
- نتیجه این شد که آمریکا و انگلیس در یک «باتلاق انفرادی» تنها ماندند؛ بمباران‌های هوایی آنان به خاک یمن هیچ دستاورد تاکتیکی نداشت و بالعکس، به افزایش برد و تنوع تسلیحات انصارالله انجامید.

۴. ضربه کاری به جنگ شناختی و توهم برتری غرب

بزرگترین دستاورد یمن در این نبرد، درهم شکستن «هژمونی روانی و شناختی» تمدن غرب بود.

سال‌ها رسانه‌های امپریالیستی تصویر جهان سومی‌ها را موجوداتی تسلیم‌شده،

ناتوان و نیازمند به چتر حمایتی غرب بازنمایی می‌کردند.

اما تصویر رزمنده یمنی با لباس سنتی، پای افزار ساده، خنجر بر کمر و قرآنی بر دل، در حالی که بر عرشه کشتی‌های میلیاردی توقیف‌شده گام برمی‌دارد و فرماندهان ناوهای ناتو را به چالش می‌کشد، زلزله‌ای در ناخودآگاه ملت‌های آزاده جهان پدید آورد.

این تصویر، تندیس پوشالی ابرقدرت‌ها را سرنگون ساخت و نشان داد که حقیقت قدرت،

نه در تکنولوژی‌های بی‌روح وال استریت و پنتاگون، بلکه در «قلوب مطمئن» و دست‌های گره‌خورده با نصرت الهی است.



فصل پنجم: بازمهندسی نظم جدید جهانی؛ برآمدن جنوب جهانی و افول غرب

آغاز با کلام وحی و حکمت:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص، آیه ۵)

(و ما اراده کرده‌ایم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان [حق] و وارثان [زمین] قرار دهیم.)

جهان چون به دور دگر در رسید / ز مستضعفان صبح صادق دمید

فرو ریخت بنیاد زورآوران / به میدان برآمد دلِ سروران

۱. تسریع‌کننده «پیچ تاریخی» و دگرگونی در هندسه قدرت

رهبر معظم انقلاب اسلامی سال‌ها پیش از رخدادی عظیم تحت عنوان «پیچ تاریخی و تغییر هندسه جهان» سخن گفتند؛ فرایندی که در آن مرکز ثقل قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی از غرب جغرافیایی و ایدئولوژیک به سمت شرق و جبهه مقاومت جابه‌جا خواهد شد.

حرکت حماسی و راهبردی یمن در دریای سرخ و اقیانوس هند، صرفاً یک کنش تاکتیکی در حمایت از مردم مظلوم غزه نبود؛ بلکه «شتاب‌دهنده اصلی» این پیچ تاریخی بود. برای بیش از سه قرن، نظم استعماری و ستفالی و سپس نظم پساجنگ جهانی دوم (برتون وودز و سازمان ملل)، جهان را به دو بخش «مرکز مسلط» و «پیرامون مطیع» تقسیم کرده بود.

اما یمن با به چالش کشیدن کل ائتلاف ناتو در یک گلوگاه حیاتی، این فرمول کهنه را باطل کرد و به جهان نشان داد که اراده‌های مستقل، توان بازتعریف قواعد جهانی را دارا هستند.



(شکست چتر امنیتی ناتو)

۲. دمیدن روح خودباوری در کالبد «جنوب جهانی» (Global South)

برای دهه‌ها، کشورهای در حال توسعه و حوزه تمدنی جنوب جهانی تحت تأثیر جنگ روانی امپریالیسم، گمان می‌کردند ایستادگی در برابر تحریم و تهدید نظامی غرب به معنای خودکشی است.

یمن این بت فکری را شکست:

- **شکست انگاره استعمارزدگی:** یمن در شرایطی پنتاگون و ناوگان سلطنتی بریتانیا را تحقیر کرد که نه سال در محاصره همه‌جانبه، بمباران مداوم و قحطی تحمیلی به سر برده بود. این دستاورد به تمام ملت‌های آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا آموخت که «مقاومت نه یک هزینه، بلکه تنها راه بقا و کسب استقلال است».
- **همگرایی با خیزش‌های ضد استعماری جدید:** تحولات دریای سرخ هم‌زمان شد با اخراج نیروهای نظامی فرانسه و آمریکا از غرب آفریقا (نیجر، مالی، بوركینافاسو) و رشد احساسات استقلال‌طلبانه در منطقه؛ رویدادهایی که همگی نشان‌دهنده بیداری فراگیر جنوب جهانی علیه چپاولگری نظم نئولیبرال است.

۳. مکمل ژئوپلیتیک بلوک‌های نوظهور (بریکس و شانگهای)

قدرت‌های نوظهور جهانی مانند چین، روسیه و کشورهای عضو ائتلاف‌های «بریکس» (BRICS) و «سازمان همکاری شانگهای»، در پی ایجاد بسترهایی برای تجارت با ارزهای محلی، دالان‌های ترانزیتی مصون از مداخله غرب و پایان بخشیدن به دیکتاتوری دلار هستند.

عملیات مقاومت یمن نشان داد:

1. امنیت دیگر کالای انحصاری غرب نیست: ناوگان‌های آمریکایی که مدعی تأمین امنیت کریدورهای بین‌المللی بودند، حتی از حفاظت ناوها و کشتی‌های تجاری خود عاجز ماندند.
2. ارزش راهبردی کریدورهای جایگزین: ناامنی تحمیل‌شده بر کشتی‌های غربی، ضرورت همکاری‌های راهبردی غیرغربی مانند کریدور شمال-جنوب و مسیرهای ترانزیتی مصون را دوچندان کرد.
3. شکست تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه: وقتی گلوگاه تنفس انرژی و کالا در دست محور مقاومت باشد، ابزار تحریم غرب کارایی فلج‌کننده خود را برای تسلیم ملت‌ها از دست می‌دهد.

۴. برآمدن یمن به عنوان «لنگرگاه تراز اول تمدنی»

تا پیش از این، غرب در ادبیات رسانه‌ای خود یمن را «کشوری فقیر و حاشیه‌ای در انتهای شبه‌جزیره عربستان» معرفی می‌کرد. اما امروز:

- هیچ توافق یا معادله‌ای در غرب آسیا، دریای سرخ، خلیج عدن و شاخ آفریقا بدون در نظر گرفتن اراده و موافقت دولت نجات ملی در صنعا قابل اجرا نیست.
- یمن نه تنها قطب‌نمای شجاعت عربی-اسلامی را احیا کرد، بلکه مسئله فلسطین را از میزهای خائنانه سازش (مانند توافقات آبراهام) بیرون کشید و آن را بار دیگر به عنوان معیار اصلی تمایز حق و باطل در جهان تثبیت نمود.

یمن ثابت کرد که جایگاه ملت‌ها بر روی نقشه جهان، نه بر اساس وسعت خزانه‌های مالی، بلکه بر مبنای «میزان پایمردی بر اصول حق و نترسیدن از طاغوت‌های زمان» رقم می‌خورد.

"این همان سرآغاز نظامی است که در آن، مستضعفان تاریخ زمام امور گیتی را به دست خواهند گرفت."

یمن
همه
را
مات
کرد!!؟

ناصر کاوه

فصل ششم: افق آینده؛ بشارت‌های مهدوی و فتح تمدنی

آغاز با کلام وحی و کلام معصوم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره مائده، آیه ۵۴)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، خدا به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران سرسخت و نفوذناپذیرند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند...)

عن الإمام جعفر الصادق (عليه السلام):

«لَيْسَ فِي الرِّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، هِيَ رَايَةُ هُدًى، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ» (الغيبة للنعماني، ص ۲۵۳)

(در میان پرچم‌ها، پرچمی هدایت‌کننده‌تر از پرچم یمانی نیست؛ آن پرچم هدایت است، زیرا شما را به سوی صاحب و امامتان فرا می‌خواند.)

چو طوفان برآید ز یمن کهن / ز هم بربرد پرده اهرمن

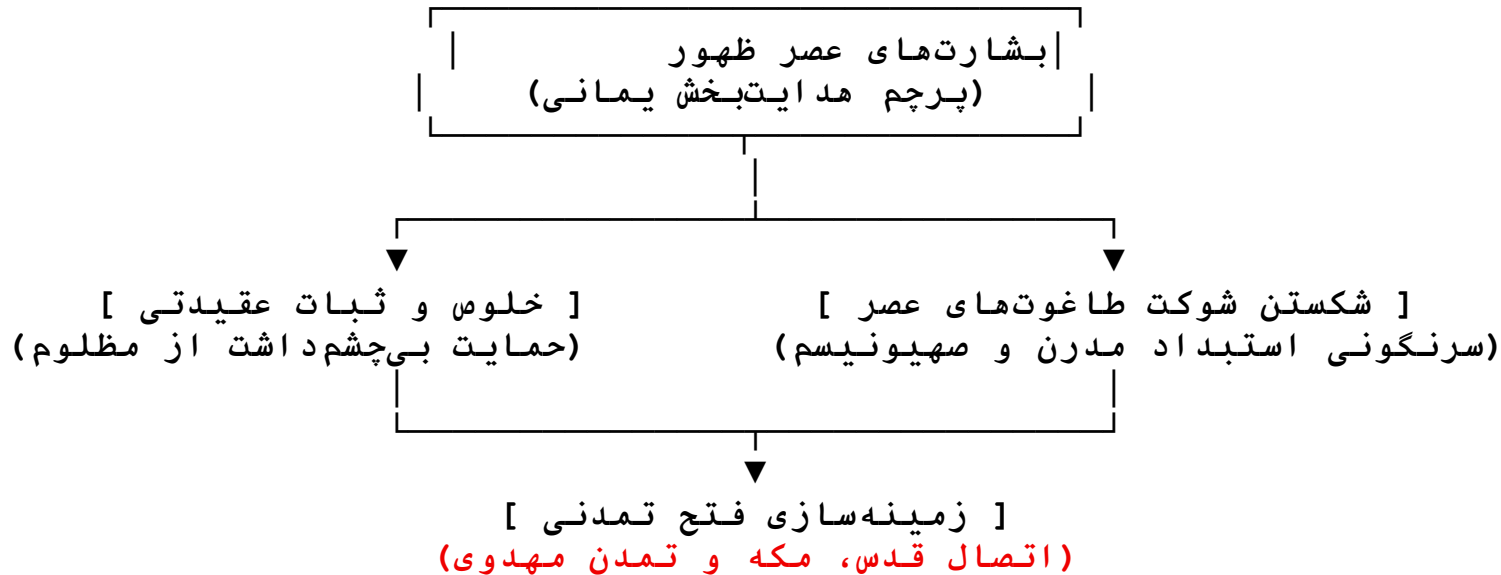
یمانی درآید به عهد الست / شکسته شود شوکت خودپرست

زمین پر شود ز آفتاب هدی / به شمشیر ایمان و نصر خدا

۱. جایگاه تمدنی و قدسی یمن در منظومه عصر ظهور

در فرهنگ روایی و آینده‌پژوهی اسلامی، یمن صرفاً یک موقعیت سوق‌الجیشی بر جغرافیای خاکی نیست؛ بلکه «نقطه ثقل خیزش حق در برابر انباشت باطل» در آستانه رستاخیز تمدن اسلامی و عصر ظهور حضرت بقیه‌الله الأعظم (ارواحنا فداه) است. روایات متواتر اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پرچم یمانی را مستقیم‌ترین، روشن‌ترین و خالص‌ترین بیرق قیام پیش از ظهور معرفی کرده‌اند؛ پرچمی که بی‌هیچ انحراف، لکنت یا مصلحت‌اندیشی دنیوی، ملت‌ها را به محوریت ولایت و توحید خالص فرا می‌خواند. آنچه امروز در دریای سرخ، تنگه باب‌المندب و قلب میدان‌های نبرد رخ می‌دهد، تجلی تاریخی همان ویژگی‌های برشمرده در قرآن کریم و احادیث است:

- **نترسیدن از سرزنش‌ها و هیمنه طاغوت:** انصارالله در حالی در برابر کل ائتلاف زر و زور و تزویر ایستاد که جهان عرب و دولت‌های سازشکار در سکوت و رخوت فرو رفته بودند.
- **شفقت با مؤمنان و شدت بر مستکبران:** جانفشانی یمن برای نجات کودکان و زنان مظلوم در محاصره غزه، مصداق بارز «أَدِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» را در برابر چشم جهانیان مجسم ساخت.



۲. اتصال ژئوپلیتیک مقاومت به «فتح نهایی قدس»

یکی از عمیق‌ترین سرفصل‌های اسناد این کتاب، تبیین پیوند ناگسستنی شریان‌های یمن با آزادی قبله نخست مسلمین است.

یمن نشان داد که دفاع از قدس و فلسطین، یک شعار سیاسی موسمی نیست، بلکه یک «تعهد وجودی و الهی» است:

- پرتابه‌هایی که مرزهای ساختگی را درنوردید: شلیک موشک‌های بالستیک و پهپادهای شناسایی-تهاجمی «یافا» از صنعا به تل‌آویو، تمام محاسبات امنیتی صهیونیست‌ها پیرامون «عمق استراتژیک» را بر هم زد.

- تبدیل مقاومت از جبهه‌های پراکنده به «پیکره واحد»: یمن ثابت کرد که محور مقاومت در تهران، بغداد، دمشق، بیروت، صنعا و غزه، دیگر یک ائتلاف کلاسیک نیست؛ بلکه ارگان‌یسمی زنده و هوشمند است که با زخمی شدن یک عضو، تمام پیکره علیه متجاوز بسیج می‌شود.

۳. هندسه جدید آینده؛ زوال استکبار و حکومت صالحان

سنت الهی تخلف‌ناپذیر است: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵).

جهان امروز در آستانه پوست‌اندازی بزرگی قرار گرفته است. لیبرال‌دمکراسی غربی با تمام ادعاهای حقوق‌بشری و نظم بین‌المللی خودساخته‌اش، در آزمون غزه و دریای سرخ از لحاظ اخلاقی، نظامی و حقوقی دچار فروپاشی شد.

آینده متعلق به ملت‌هایی است که:

1. اراده خود را از یوغ دلار و بانک‌های جهانی آزاد کرده‌اند.
2. قدرت نظامی را نه برای کشورگشایی و غارت، بلکه برای اقامه عدل و نصرت مظلوم به کار می‌گیرند.
3. با اتکا به دانش بومی و ایمان الهام‌بخش، موازنه‌های نامتقارن را به پیروزی‌های قطعی بدل می‌سازند.



موخره و پیام پایانی کتاب: «مات بزرگ تاریخ»

کتاب حاضر، گواهی بر یک حقیقت سترگ تاریخی است: «یمن همه را مات کرد»، زیرا با قواعد ساخته دست طاغوت بازی نکرد؛ بلکه صفحه شطرنج را با قوانین لایزال الهی چید.

شاهان و فرمانروایان متکبر دوران گمان می‌کردند با بمب‌های چند تثنی، محاصره نان و دارو، و لشکری از ناوشکن‌ها می‌توان ملتی را که با نوای عاشورا و فرهنگ قرآن نفس می‌کشد تسلیم کرد. اما در پایان، این ناوهای غول‌پیکر بودند که گریختند، این اقتصادهای مبتنی بر ربا و چپاول بودند که در گلوگاه باب‌المنذب به زانو درآمدند، و این پرچم سرافراز یمن و جبهه حق بود که بر بلندای تاریخ به اهتزاز درآمد.

این پیروزی، پایان راه نیست؛ بلکه طلعه فتح بزرگ‌تر، شکستن بت صهیونیسم بین‌الملل و هموار شدن مسیر برای ظهور خورشید ولایت عظمی، حضرت مهدی موعود (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) است؛ روزی که مستضعفان بر سراسر گیتی امامت یابند و شب تاریک ستم برای همیشه رخت بربندد. «وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا» (سوره اسراء، آیه ۱۵)

«أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (سوره هود، آیه ۸۱)

موخره: رستاخیز مستضعفان و ماتِ بزرگِ تاریخ

به نام خداوند درهم‌کوبنده ستمگران و امیدبخش مستضعفان

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»

(بلکه ما حق را بر باطل فرو می‌کوبیم، پس آن را در هم می‌شکنند و بناگاه باطل تباه و نابود می‌شود؛ و وای بر شما از آنچه [به ناروا] توصیف می‌کنید!) (سوره مبارکه انبیاء، آیه ۱۸)

چو شب تیره شد، بامداد آفتاب / برآورد سر زان بلند آبناب

چنان تیره شد روز زورآوران / که گم شد ز کف رشته سروران

نه فرّ و نه زور و نه گنج و سپاه / نیامد به کار اندر آن رزم‌گاه

جهان راست نظمی دگر زین سپس / که بر حق نتابد دم هیچ‌کس

۱. بازخوانی یک شگفتی؛ هندسه نو در خرابه‌های ظفار و صنعا

تاریخ تمدن‌ها همواره در لحظاتی بازنویسی شده است که قدرتمندان سرمست از شوکت آهن و طلا، حضور مؤلفه‌ای فراتر از محاسبات مادی را از یاد برده‌اند.

پرونده حماسه یمن در سده بیست و یکم، کتابی گشوده در برابر دیدگان وجدان‌های بیدار بشریت است. کشوری که سال‌ها در ادبیات توسعه‌نیافتگی غرب، «حاشیه‌ای، فقیر و پایمال‌شده» پنداشته می‌شد، در کوران سخت‌ترین محاصره‌های تاریخ معاصر، چنان ققنوس‌وار از میان خاکستر حملات ائتلاف‌های بین‌المللی سر برآورد که امروز شاهراه‌های اقتصاد و امنیت گیتی، منتظر دریافت فرکانس اراده فرماندهان صنعت است.

یمن اثبات کرد که «جغرافیا» تا زمانی که با «ایمان، شجاعت و ابتکار بومی» درنیامیزد، صرفاً نقاشی خطوط بر روی کاغذ است؛ اما هنگامی که الماس ژئوپلیتیک باب‌المندب در دستان نسلی عاشورایی قرار گیرد، می‌تواند گلوی هژمونی پترودلار و استبداد ناوگان‌های غربی را بفشارد و نظم استعماری دویست‌ساله را در یک مقطع کوتاه تاریخی زیر و رو کند.

۲. چرا مات شدند؟ تبارشناسی خطای محاسباتی تمدن غرب

پاسخ به پرسش بنیادین عنوان کتاب: «**یمن همه را مات کرد؟!؟**»، آری مقتدرانه‌ای است که از دل اسناد نظامی، ترازنامه‌های تجاری فرو ریخته صهیونیسم و گزارش‌های محرمانه اتاق‌های فکر سنتکام و پنتاگون بیرون می‌آید. دشمن در صفحه شطرنج دریای سرخ، تنگه هرمز و اقیانوس هند مات شد، زیرا:

1. ابزار را بر اراده مقدم دانست: آنان گمان می‌کردند ناوشکن‌های میلیارد دلاری و موشک‌های چند میلیون دلاری پدافندی می‌توانند سد راه مجاهدانی شوند که مرگ در راه عزت را برتر از زندگی در سایه ذلت می‌دانند.
2. قدرت هوش نامتقارن را نشناخت: یمن نشان داد که ترکیب مهندسی معکوس خلاقانه، تسلط بر فناوری‌های رادارگریز، پرتابه‌های نقطه‌زن، شهپادهای شبح‌گون و داده‌های آکوستیک، می‌تواند گران‌ترین دکترین‌های دریانوردی استعماری را ناکارآمد و زمین‌گیر کند.
3. از همبستگی توحیدی محور مقاومت غافل بود: تصور واشنگتن و تل‌آویو بر این بود که با تکه‌تکه کردن جبهه‌های مقاومت می‌توانند آرمان قدس را به مسلخ ببرند؛ اما یمن با پیوند زدن مستقیم امنیت باب‌المندب به توقف نسل‌کشی در غزه، پرده از یک «روح واحد در کالبد‌های گوناگون» برداشت؛ اراده‌ای که در آن صنعا، بیروت، دمشق، بغداد و تهران، هماهنگ‌تر از هر زمان، ارکان ظلم را نشانه رفته‌اند.

۳. منشور تمدنی و درس‌های ماندگار برای آیندگان

پژوهشگران، نویسندگان و راهبردنویسان آینده، هنگام بررسی سرفصل‌های سقوطِ جهانِ تک‌قطبی، به ایستادگیِ یمن به عنوان یک «نقطه عطف پارادایمی» نگاه خواهند کرد.

آنچه این کتاب در پی ثبت و تبیین آن بود، فراتر از ثبتِ رویدادهای نظامی صرف است؛ این اثر، سندی است از:

- شکستِ نهاییِ منطقِ زورگویی و بزن‌ودررو؛
- فروپاشیِ ابهتِ ناوهای هواپیمابر و نمادهای حاکمیت استعماری؛
- شکوفاییِ تواناییِ ملت‌های مستقل برای پاسداری از شریان‌های حیاتی جهان؛
- و پیوند خوردن علم و ایمان در خدمت نجات مستضعفان.

۴. کلام آخر: طلوعه فجر موعود

حماسه یمن، نقطه‌ای بر پایان یک نبرد نیست؛ بلکه مقدمه‌ای باشکوه بر آغازِ عصری نو است. بیرقی که امروز در کرانه‌های دریای سرخ به اهتزاز درآمده، طلوعه همان پرچم هدایت‌بخشی است که در روایات بشارت‌بخش اهل بیت (علیهم‌السلام)، مژده‌دهنده برپایی عدالت فراگیر و سرنگونی نهایی شجره خبیثه صهیونیسم و طواغیت جهان است.

یمن با پامردی فرزندان غیور و مؤمن خویش به تاریخ ثابت کرد: آنجا که نور خدا اراده شود، هیچ تندبادی از زر و زور و تزویر توان خاموش کردنش را نخواهد داشت؛ و هندسه جدید جهان، بی‌گمان به دست صالحان و مستضعفان ترسیم خواهد شد.

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

(سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۱)

(و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ همانا باطل همواره نابودشدنی است.)

پایان دوران؛ طلوع نظم نوین منطقه‌ای



پایان استیلای دو‌یست‌ساله آنگلو ساکسون‌ها بر خطوط مواصلاتی جهان. تجاوز به یمن و ایران، نه بجهت یمن و ایران، نه تنها به سرنگونی جبهه حق نینجامید، بلکه هژمونی غرب را ویران کرد و کلید امنیت راهبردی جهان را به محور یکپارچه مقاومت سپرد.

این موازنه جدید، بنیان‌های نظم تک‌قطبی را فرو ریخت و افق‌های تمدنی جدیدی را گشود. (پایان کار از آن پرهیزکاران است)

نقطه اشتعال: توهم واشنگتن و خطای محاسباتی



” تجاوز ترامپ، ماشه یک انفجار زنجیره ای و نامتقارن را کشید که اولین قربانی آن، دارایی های دریایی و زمینی خود آمریکا بود.



نظامی

انهدام و توقیف ۵۰ شناور ائتلاف، بی‌اثر شدن ناوگان آمریکا و تسلیم ۳ تیپ ارتش‌های نیابتی.



اقتصادی

سقوط تولید نفت عربستان به سطح سال ۱۹۹۰ و زوال هژمونی پترودلار.



ژئوپلیتیک

مرگ ناتوی عربی-اسرائیلی و شکل‌گیری «پیمان دفاعی مکه» با محوریت قدرت‌های اسلامی.



انرژی

سیطره قطعی محور مقاومت بر دوگانه هرمز و باب‌المندب.

«دوران بزن و دررو تمام شده است؛ هندسه جهان در حال تغییر است.»



قیچی راهبردی؛ مرگ مغزی اقتصاد سرمایه‌داری



نتیجه: بن‌بست کامل ژئوپلیتیک عربستان و قطع شریان انتقال ۲۰٪ نفت جهان و تجارت آسیا-اروپا.



عصر نبرد نامتقارن؛ پایان افسانه ناوگان‌های میلیاردی



توقیف و هدف قرار دادن بیش از ۵۰ فروند نفتکش، کشتی تجاری و یدگ‌کش‌های ارتش آمریکا در یک ماه.



صید شاه‌مروارید: به غنیمت گرفتن زیرسطحی‌های پیشرفته آمریکایی و انتقال اسرار آکوستیک و کدهای مخابراتی جنگ زیرسطحی روی میز مهندسان مقاومت.

فناوری‌های بومی و چابک یمن، سیستم‌های ادراکی و پدافندهای چند لایه غرب را در دریا و خشکی قفل کرد.

«دشمن همان طور که در دریا غافلگیر شد، در زمین نیز با فناوری های بی سابقه ای غافلگیر خواهد شد.» - سید عبدالملک بدرالدین الحوثی

شکار شاه مروارید (جنگ زیر سطحی)

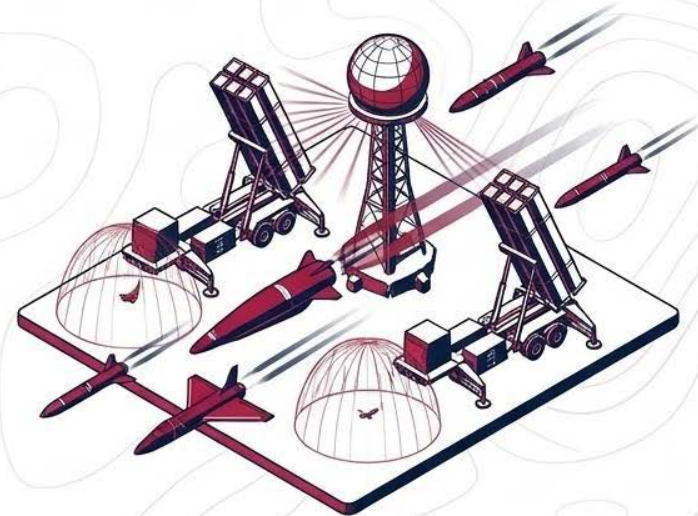
صید و غنیمت گرفتن زیر سطحی ها و ادوات بدون سرنشین آمریکا.

افشای اسرار آکوستیک و کدهای مخابراتی؛ ضربه مهلک به ساختار اطلاعاتی نیروی دریایی آمریکا.



بی اثری پدافندهای چندمیلیاردی

عبور موفق شهپادهای انتحاری، موشک های بالستیک ضدکشتی و هایپرسونیک از سامانه های گران قیمت تاد (THAAD) و پاتریوت.



تضاد هویتی؛ ارتش عقیدتی در برابر ارتش اجاره‌ای

ارتش عقیدتی (مقاومت)

انگیزه نبرد

دفاع از خاک، کرامت مظلومان، پیوند
پیوند ناگسستنی با فرهنگ عاشورا و
شهادت.

واکنش در نقطه بحران

صبر استراتژیک ده‌ساله در برابر
گرسنگی و محاصره، ابداع
فناوری‌های بی‌سابقه.

الگوریتم محاسباتی

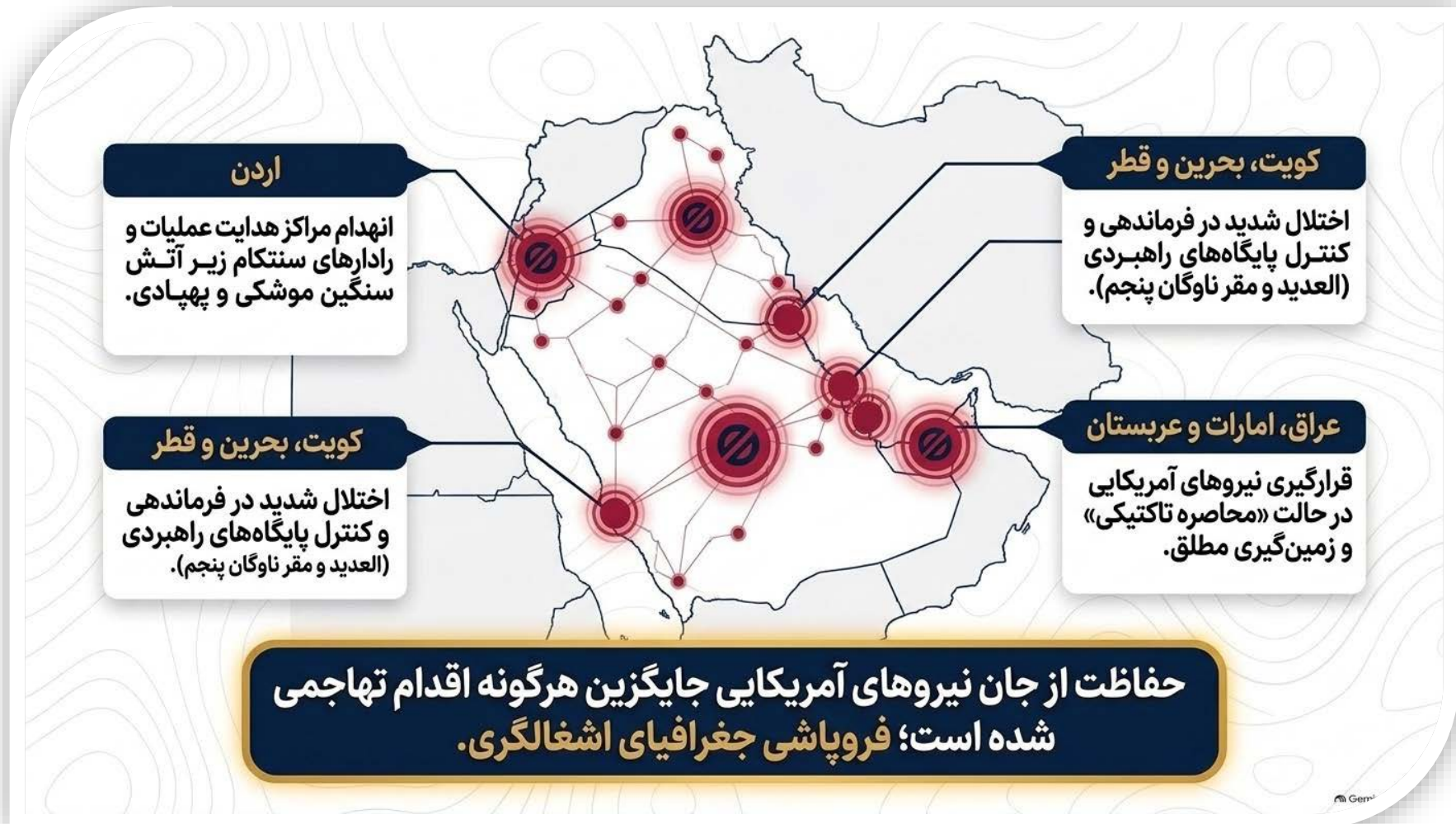
برتری روان‌شناختی غیرقابل محاسبه
در اتاق‌های جنگ واشنگتن.

ارتش نیابتی (ائتلاف)

وابستگی به دلارهای نفتی و وعده
تصاحب قدرت.

گسست سازمانی، فرار و خیانت در
سلسله مراتب با اولین موج
موشک‌های دقیق.

متکی بر برتری تسلیحاتی و هوش
نظامی مادی.



فروپاشی شبکه‌ای؛ دکترین «زمین سوخته» و انحطاط نظامی



فروپاشی و تسلیم

تسلیم کامل ۳ تیپ زرهی مزدوران سعودی و اماراتی در حیس، المخا و الخوخه با تمام تجهیزات.

درگیری مسلحانه خونین میان مزدوران امارات (شورای انتقالی) و عربستان در خط ساحلی عدن. فرار طارق صالح از مخا به امارات.



دکترین زمین سوخته

جنگنده‌های ائتلاف سعودی از روی وحشت، مواضع تسلیحاتی و ستون‌های خودرویی نیروهای مزدور خودشان را بمباران کردند تا به غنیمت انصارالله در نیایند.



اوج انحطاط نظامی، فروپاشی اعتماد درونی و پایان تاریخ مصرف ارتش‌های اجاره‌ای.

ارتش نیابتی و اجاره‌ای (ائتلاف غرب)

انگیزه نبرد

حقوق دلاری، وعده تصاحب قدرت.

واکنش در بحران

فرار، خیانت در سلسله مراتب، درگیری خونین درونی.

نقطه اتکا

سامانه‌های پدافندی چندمیلیارد دلاری ناکارآمد و پشتیبانی هوایی.

ارتش عقیدتی (محور مقاومت)

انگیزه نبرد

فرهنگ انتظار، کرامت، دفاع از مظلوم و شهادت به عنوان فوز عظیم.

واکنش در بحران

مقاومت تا پای جان، هم‌افزایی و انسجام سازمانی.

نقطه اتکا

خودباوری ایمانی و نبوغ بومی در فناوری‌های نامتقارن.

برتری تسلیحاتی هرگز نمی‌تواند خلأ هویت را پر کند.

دیپلماسی دفاعی؛ تثبیت اقتدار حقوقی یمن در دریای سرخ

بیانیه تاریخی مرکز هماهنگی عملیات بشردوستانه یمن، یک شاهکار راهبردی در مدیریت افکار عمومی بود.



- اعلام امنیت کامل کشتیرانی برای تمامی شرکت‌های بین‌المللی.
- اعمال تحریم هدفمند و ممنوعیت تردد منحصرأً برای شناورهای متخاصم سعودی.

خلع سلاح رسانه‌ای ائتلاف؛ یمن نه به عنوان یک تهدید کور، بلکه به عنوان «پلیس مشروع، مقتدر و عادل» آبراه‌های بین‌المللی تثبیت شد.

دیپلماسی دفاعی؛ تفکیک هوشمندان



بیانیه رسمی مرکز هماهنگی عملیات بشردوستانه یمن

«دریانوردی در دریای سرخ برای تمامی شرکت‌های بین‌المللی امن است، به استثنای شناورهای سعودی و متخاصم.»

اثر استراتژیک

خلع سلاح رسانه‌های غربی، اثبات یمن به عنوان پلیس مقتدر و مشروع دریای سرخ، افشای التماس‌های عاجزانه مقامات ریاض‌نشین که کنترل باب‌المندب را از دست رفته می‌بینند.

شوک ساختاری انرژی؛ زوال پترودلار





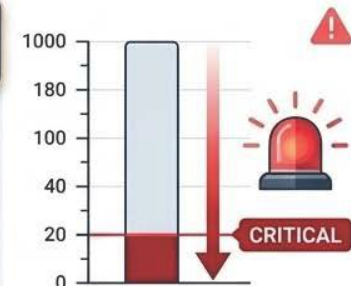
زوال پترودلار

افت بی سابقه تولید نفت عربستان سعودی به پایین ترین سطح از سال ۱۹۹۰، در پی فلج شدن تاسیسات حیاتی آرامکو توسط حملات نقطه زن یمن.



پایان ذخایر راهبردی (SPR)

تخلیه خطرناک ذخایر استراتژیک انرژی در آمریکا و کانادا که برای کنترل دستوری بازار استفاده شده بود؛ رسیدن به خط قرمز و کمترین کمترین میزان تاریخی.



پس لرزه‌های جهانی؛ از رکود آسیا تا زمستان سیاه اروپا

اروپا

ورود قاره سبز به «زمستان سیاه». قطع جریان گاز مایع (LNG)، خاموشی‌های سراسری، و خطر تعطیلی صنایع سنگین در غیاب انرژی ارزان شرق.

شرق آسیا (ژاپن و کره)

شوک ساختاری به اقتصادهای صادرات محور. انرژی نایاب و فوق العاده گران، هزینه تولید در توکیو و سنول را به شدت بالا برده و صادرات را غیررقابتی کرده است.

آمریکا و کانادا

تورم لجام گسیخته، انفجار قیمت حامل‌های انرژی، و تحمیل هزینه ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی بر معیشت شهروندان.

بحران جهانی انرژی؛ پیامدهای راهبردی برای اروپا و شرق آسیا



پیامد سیاسی واشنگتن؛ بن بست ترامپسم

ماجرای با وعده «اول آمریکا» شهروندان آمریکایی را مجبور به پرداخت تاوان سنگین اقتصادی کرد و به خشم عمومی دامن زد.



شکست انتخاباتی

شکست قطعی جمهوری خواهان حامی ترامپ در انتخابات میان دوره ای کنگره.

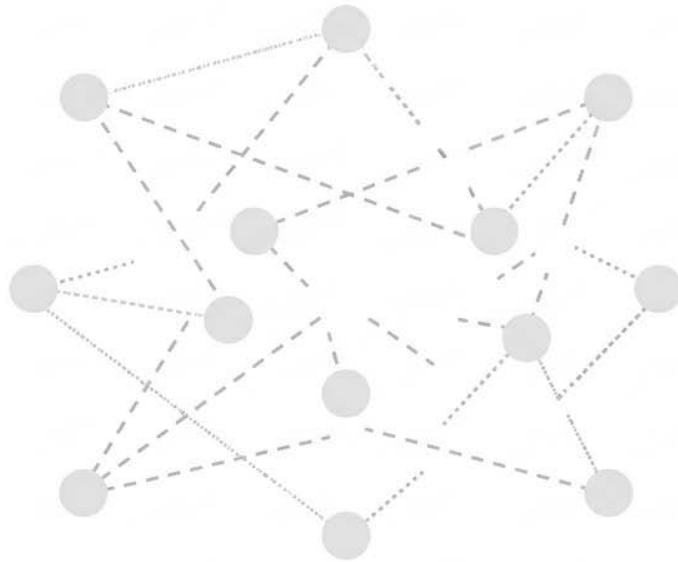
بن بست مالی و نظامی

از دست رفتن اکثریت در کنگره → قفل شدن مسیر تصویب بودجه های نظامی و اعتبارات جنگی توسط دموکرات ها.

انزوای سیاسی

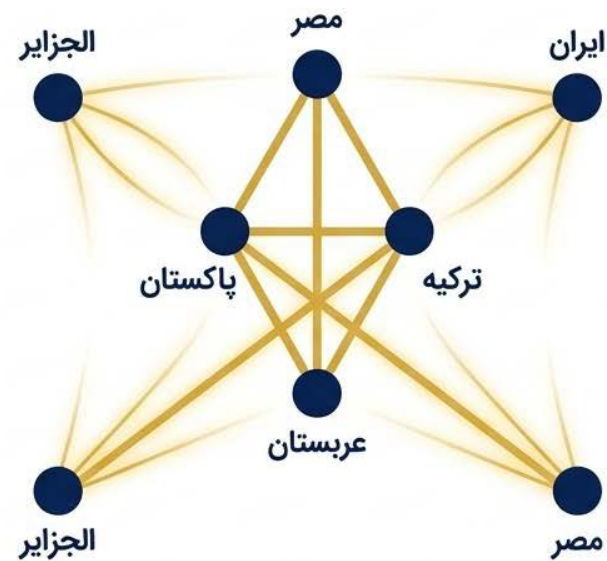
گرفتار شدن کاخ سفید در یک باتلاق و بن بست کامل سیاسی، مالی و قانونی.

مرگ ناتوی عربی-اسرائیلی



فرار متحدان سنتی از چتر امنیتی آمریکا به دلیل ناتوانی مطلق پدافندهای غربی در محافظت از حریم هوایی و پایگاه‌هایشان.

زایش پیمان دفاعی مکه



شکل‌گیری پیمان جدید برای رویارویی با ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی. دعوت تاریخی از جمهوری اسلامی ایران، مصر و الجزایر برای پیوستن به ی؛ پذیرش این واقعیت که امنیت منطقه بدون محوریت ایران ناممکن است.

زایش اتحادهای جدید؛ مرگ ناتوی عربی

تولد پیمان مکه

حرکت کشورهای کلیدی
(عربستان، ترکیه، پاکستان)
به سمت یک پیمان دفاعی
مستقل برای رویارویی
رویارویی با ماجراجویی‌های
رژیم صهیونیستی.

بلوک اسلامی

واشنگتن/تل‌آویو

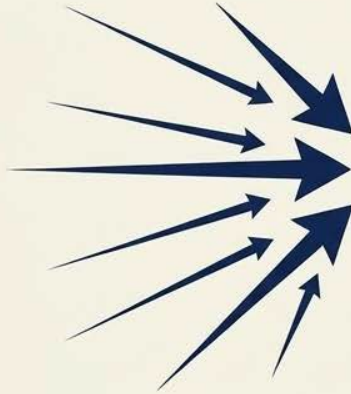
مرگ پروژه ابراهیم

پس از اثبات ناکارآمدی
پدافند سنتکام در دفاع
از پایگاه‌های خود،
دولت‌های عربی از در
اختیار گذاشتن آسمان
و قلمرو خود به ارتش
آمریکا امتناع کردند.
ائتلاف عبری-عربی
فروپاشید.

دعوت تاریخی از ایران برای پیوستن به هسته مرکزی پیمان؛
پذیرش این واقعیت که امنیت خلیج فارس و دریای سرخ
بدون محوریت تهران ناممکن است.

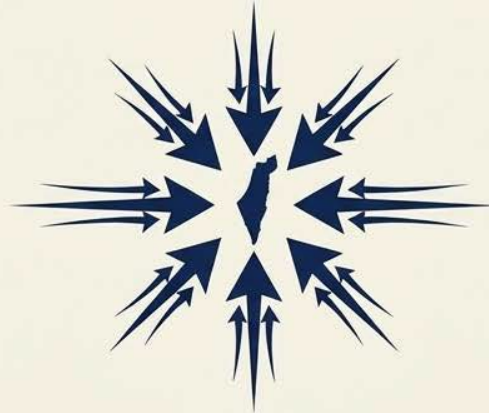
شمال (حزب الله لبنان)

پاکسازی قطعی جنوب لبنان با
روحیه مضاعف و تحمیل معادلات
معادلات جدید بازدارندگی به رژیم
صهیونیستی.



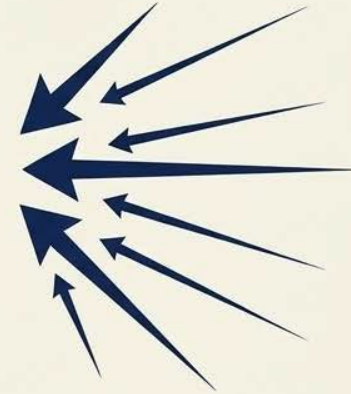
مرکز (رژیم صهیونیستی)

گرفتار در محاصره‌ای چندوجهی؛ اقتصاد
جنگ‌زده و جامعه‌ای بحران‌زده که تاب
یک جنگ طولانی فرسایشی را ندارد.



جنوب (انصارالله یمن)

انسداد کامل شریان تنفسی و
رژیم تجاری دشمن در بندر ایلات
و دریای سرخ.



مقاومت دیگر جزایری پراکنده نیست؛ بلکه یک شبکه هماهنگ است که شریان‌های استکبار را قطع کرده است.

هندسه یکپارچه مقاومت؛ سامانه زیستی هماهنگ

هژمونی امروز مقاومت، جزیره‌ای و پراکنده نیست؛ بلکه یک شبکه هماهنگ است که شریان‌های حیاتی استکبار را زیر چتر آتش راهبردی خود قرار داده است.

تهران

عمق راهبردی: سیطره مطلق بر تنگه هرمز،
خنثی‌سازی جنگ ترکیبی ناتو، و تامین چتر
حمایت و بازدارندگی کلان.

صنعا

میدان انرژی: سرگرم‌سازی دشمن،
آزادسازی گلوگاه‌های حیاتی باب
المنذب، و انهدام شریان آرامکو
(شکار الماس ژئوپلیتیک).

بیروت

فشار تاکتیکی: پاکسازی نهایی اهلی
نهایی جنوب لبنان، تحمیل معادلات
بازدارندگی، و محاصره چندوجهی
رژیم صهیونیستی از شمال.



**تجاوز به محور مقاومت، الماس استراتژیک جهان را مستقیماً در دستان مجاهدان قرار داد.
استیلای ۲۰۰ ساله آنگلوساکسون‌ها بر خطوط مواصلاتی جهان پایان یافته است.**

توطئه سرنگونی ایران، به اضمحلال هژمونی غرب و نابودی اقتصاد نیابتی آل سعود انجامید.

تحقق وعده الهی: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

- طلوع نظمی نوین، برخاسته از اراده امت اسلامی.